

ژئوپلیتیک شیعه با تأکید بر نقش زائران حرم رضوی (مشهد)

محمدحسن نامی^۱

دکترای جغرافیای سیاسی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۰۴/۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۲/۰۹

چکیده

در حال حاضر جمعیت مسلمانان جهان به بیش از یک میلیارد نفر رسیده است و بر اساس آماری که از منابع مختلف ارائه شده است شیعیان بیش از ۲۰ درصد این جمعیت یعنی جمعیتی بیش از دویست میلیون نفر را تشکیل داده اند. جمعیتی که با توجه به متأثر بودن آنها از انقلاب اسلامی ایران و علاقه آنها به شهرهای مقدس از جمله مشهد، پتانسیل خیلی خوبی را برای ایران و علایق ژئوپلیتیکی آن فراهم نموده است. در این مقاله با روش تحقیقی توصیفی - تحلیلی سعی شده است تا به اهمیت ایدئولوژی تشیع، به عنوان یک عنصر موثر بر ژئوپلیتیک شیعه، با تأکید بر زائران حضرت امام رضا (ع) پرداخته شود؛ امری که مبنای خودآگاهی و بیداری در انقلاب ایران و سایر جنبش های اسلامی منطقه می باشد.

واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک شیعه، حرم رضوی، مشهد

مقدمه

با نگاهی اجمالی به تئوری‌های روابط بین الملل و واقعیت‌های موجود در آن، می‌توان دریافت که محور اساسی آنها بر پایه ماتریالیسم است و قدرت آنها بر اساس عناصر مادی و فیزیکی دولت‌ها تجزیه و تحلیل شده است. اما نهضت‌های اسلامی جهان، عمدتاً مبنای فکری و فلسفی دارند و مبتنی بر تجزیه و تحلیل‌های رئالیستی از قدرت نیستند؛ از اینرو، آنها دین را ضرورتی انکارناپذیر برای کل بشریت می‌دانند و آن را به تمام جهانیان عرضه می‌کنند. جنبش‌های اسلامی با اتکا به دین در تمامی مراحل مبارزاتی، این نکته را اثبات کردند که دین - به عنوان یک منبع قدرت سیاسی و اجتماعی - در جهان ناشناخته مانده است. تاثیر چنین امری، فرو ریختن مبانی ماتریالیستی و تجزیه و تحلیل قدرت‌های سیاسی جهان بود.

این تحول موجب شد؛ کارشناسان و سیاستمداران جهانی، علاوه بر مسائل مادی و فیزیکی به عوامل معنوی نیز در برآوردهای خود توجه کنند (پاشاپور، ۱۳۸۲: ۱۵۷).

در قرن حاضر، شاخص قدرت رهبری کشورها دیگر قدرت نظامی نیست؛ زیرا در حال ورود به عصری هستیم که نزاع مستقیم - که نیازمند نیروهای نظامی است - فرصت بروز پیدا نخواهد کرد. این تحولات، قطعاً باعث افزایش اهمیت مسائل انسانی خواهد شد و فاکتورهای جدید، روش ما را در ارزیابی و اندازه گیری موقعیت‌های ژئوپلیتیکی تعیین خواهد نمود (صحفی، ۱۳۸۰: ۴۶).

شاید عده‌ای تصور می‌کنند مذهب در دو دهه گذشته به عرصه ژئوپلیتیک بازگشته است اما در واقع می‌توان آثار ژئوپلیتیک مذهب را از ۶۰ یا ۷۰ سال پیش نیز ردیابی نمود. در این راستا می‌توان وقوع جنگ دوم جهانی را نقطه عطف مهمی به شمار آورد و چهار مرحله متمایز پس از آن را مشخص نمود. در نخستین دوره یعنی بیست سال پس از پایان جنگ دوم جهانی در دوران قدرت استعمارگران اروپایی از الجزایر تا اندونزی مذهب در عرصه‌های ژئوپلیتیک مختلف به عنوان مبارزه با استعمارگران مورد استفاده قرار گرفت. مشخصه اصلی این دوره این است که ملی‌گرایی بومی با نهضت مذهبی درهم آمیخته شده بود (Hammond, 2003: 83-9).

دومین دوره ژئوپلیتیک مذهب در جنگ اعراب و اسرائیل، بویژه جنگ ۶ روزه و بعد از آن وقوع انقلاب اسلامی، سومین دوره فروپاشی شوروی سابق و پایان جنگ سرد و سال‌های پایانی دهه ۱۹۸۰ و چهارمین دوره به حملات ۱۱ سپتامبر و حمله آمریکا به افغانستان و عراق مربوط می‌شود (سیمبر، ۱۳۸۶: ۱۱۰-۱۰۸).

در حال حاضر در امر ژئوپلیتیک، توجه به عوامل فرهنگی و اعتقادی، حیطه‌های دیگری از هم‌نشینی جغرافیایی را مطرح می‌کند تا پیش از انقلاب ایران، دین اسلام تنها یک ایدئولوژی مذهبی محسوب می‌شد؛ اما انقلاب ایران، جنبه‌های بالقوه سیاسی آن را به فعلیت درآورد و تفکر شیعی با انسجام ساختاری خود در ایران نشان داد که توانایی ایجاد یکی از انقلابهای بزرگ تاریخ را دارد. این توانایی باعث شد که بسیاری از نهضت‌های رهایی‌بخش، بویژه در آسیا و آفریقا، توجه خود را به ایران و ایدئولوژی اسلام معطوف کنند.

توجه جنبش‌های آزادیبخش، کشورها و شخصیت‌های اسلامی به نقش پرتوان اسلام در صحنه سیاسی باعث شد که ژئوپلیتیک کشورهایایی که از جمعیت یا اکثریت مسلمان برخوردار بودند در نگرشی مجدد ارزیابی شود. این امر از

آنجا اهمیت داشت که پیوستگی جغرافیایی و جایگاه خاص این کشورها- به لحاظ دسترسی به عظیم‌ترین منابع نفتی- خودنمایی می‌کرد و پدیده‌ای بنام جهان اسلام را مطرح می‌ساخت (همان منبع: ۷۱-۷۲).

به این ترتیب، طرح دیدگاه‌های جدید ژئوپلیتیکی و پیوند آنها با گرایش‌های فرهنگی، نقش جغرافیایی و ژئوپلیتیکی جهان اسلام و سرانجام قدرت انقلاب اسلامی این اندیشه را بوجود آورد که در پیدایش ویژگی‌های ژئوپلیتیکی، نه تنها باید به ایدئولوژی‌های مذهبی و پارامترهایی مانند قومیت توجه کرد، بلکه باید به توانایی‌های عملیاتی آنها نیز نظر داشت.

با توجه به نقش ژئوپلیتیکی مذهب، بویژه تشیع باید اذعان نمود که در حال حاضر قلمرو زندگی شیعیان و فضاهایی که اشغال کرده‌اند به گونه‌ای است که می‌توان آنرا یک واحد جغرافیایی مشخص به‌شمار آورد. در مرکز این قلمرو، کشور ایران قرار دارد که از حیث فاکتورهای متعددی چون جمعیت شیعیان (جمعیت مطلق و درصد)، وسعت، اماکن مقدس و زیارتگاهها، مراجع تقلید شیعه و... قابل توجه است. از سوئی دیگر، در لایه‌های اطراف ایران و در کشورهایی مثل عراق، بحرین، عربستان، پاکستان، افغانستان، یمن، لبنان و... که عمدتاً دارای حکومت‌های سنی‌اند، گروههایی از شیعیان به شکل اکثریت یا اقلیت زندگی می‌کنند که حاشیه ساختار فضایی شیعه به شمار می‌روند و تحت تاثیر مرکز (ایران) قرار دارند. این گروه‌ها و جوامع شیعی مکمل‌های فضایی ایران محسوب شده و به طور طبیعی بخشی از علائق ژئوپلیتیک این کشور قلمداد می‌شوند.

بنابراین ایران علاوه بر برخورداری از موقعیتی استثنایی در منطقه خلیج فارس، از جایگاهی منحصر به فرد در جهان اسلام و محوریتی ممتاز در دنیای تشیع نیز بهره‌مند است. این عوامل زمینه را برای مدیریت و رهبری ایران در دنیای شیعه فراهم می‌نماید و همین مساله است که حساسیت ایران را درباره سرنوشت شیعیان جهان توجیه می‌کند. چنین استراتژی با اهمیت و حساسی در عمل، با توجه به ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های سیاسی در خاورمیانه، بدون تردید باید براساس پژوهش‌های دقیق علمی و دانشگاهی پیگیری شود.

روش تحقیق

در این مقاله با روش تحقیقی توصیفی-تحلیلی، ابتدا به اهمیت ژئوپلیتیک و دیپلماسی عمومی در قرن حاضر پرداخته شده سپس به پراکندگی شیعیان در سطح منطقه و جهان و جایگاه ایران در این بین و اهمیت و نقشه زائران حرم رضوی و گردشگران مذهبی و پتانسیل آنها در دنیای کنونی و اهمیت و جایگاه آنها برای ارتقاء جایگاه ژئوپلیتیکی ایران اشاره شده و در پایان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری شده است.

بحث نظری؛ نگاه جغرافیدانان به دین و مذهب

مذهب مورد مطالعه جغرافیدانان است؛ زیرا برای فهمیدن چگونگی اشغال کره زمین اساسی است. جغرافیدانان مکان مذاهب مختلف جهان را با مدرک مورد بررسی قرار می‌دهند و توضیحاتی را برای اینکه چرا برخی مذاهب توزیع‌های پراکنده داشته و برخی دیگر متمرکز هستند را ارائه می‌کنند. برای شناخت اینکه چرا برخی مذاهب توزیع‌های گسترده‌ای نسبت به دیگر مذاهب دارند، جغرافیدانان به اختلاف‌هایی که در ادای فرایض دینی وجود دارد، نظر می‌اندازند. در به کار بردن مفاهیم جغرافیای بنیادی، جغرافیدانان محل‌های مشخص منشا مذاهب را مورد

مطالعه قرار می‌دهند. جغرافیدانان تمایل بین جهانی شدن و تنوع محلی، بویژه در مورد مذهب را بنا به دلایل گوناگون زیر مورد مطالعه قرار می‌دهند:

- مردم به طور عمیق به مذهبشان توجه دارند و ارزش‌های عمیق قلبی و باورهای خود را به عنوان توصیف فرهنگ به تصویر می‌کشاند.

- برخی مذاهب به طور واقعی تمایل به جهانی شدن دارند، در حالی که دیگر مذاهب در پهنه‌های محدود جغرافیایی توسعه یافته اند.

- ارزش‌های مذهبی در فهمیدن نه تنها چگونگی هویت و زبان مردم اهمیت دارد، بلکه همچنین به روش‌های معنی داری توجه دارد که چشم انداز را سازمان دهی می‌کند.

- بیشتر مذاهب پیوستگی منحصر به فردی دارد. بنابراین سازگاری با مذاهب جهانی معمولاً با دور شدن از مذهب محلی سنتی تمایل دارد، در حالی که مردم می‌توانند از نقطه نظر جهانی زبانهای مهم و نیز زبان فرهنگ محلی خود را یاد بگیرند.

به مانند زبان، مهاجران مذهب خود را به مکان‌های جدید می‌برند، ولی آنها ضمن یادگیری زبان مکان جدید، مذهب خود را حفظ می‌کنند(خالدی، ۱۳۸۴: ۸۸-۸۷).

تشیع در ایران و منطقه

به لحاظ تاریخی شیعه اقلیتی از مسلمانان را تشکیل می‌دهند که تحت جور و ظلم خلافت اموی و عباسی قرار گرفتند و به دلیل اعتقاد محکم خود به اصل امامت در جهان پراکنده شدند و با جابجایی و تکیه بر اصل تقیه و کتمان باورهای دینی خود، بقاء تاریخی خود را تضمین کردند. به علاوه در درون جوامع اسلامی(اکثریت سنی مذهب) اهل اقلیت سعی داشت ضمن حفظ عقاید خود به ترویج آن بپردازد و حتی پنهان و آشکار مراسم و مناسک مذهبی خود را برگزار کند(توسلی، ۱۳۸۴/۶/۱۶).

از نظر تاریخی شیعه اگرچه از کشورهای عربی و بطور مشخص، سرزمین عراق نشأت گرفت اما به سرعت در ایران، پاکستان، افغانستان، بخشهایی از هند و دیگر کشورهای اسلامی گسترش فراوانی پیدا کرد.

تاریخ ایران نشان می‌دهد که "نفوذ تشیع" در ایران، نه تنها به صورت دفعی نبوده، بلکه سیر تدریجی آن تا قرن‌ها با کندی صورت می‌گرفته است. با نگرشی به حوادث و وقایعی که در ارتباط با رشد "گرایشات شیعی" است، می‌توان چند مرحله را در زمینه سیر تدریجی نفوذ تشیع در ایران در نظر گرفت. این مراحل عبارتند از:

مرحله اول، در میان «موالی» ایران در عراق.

مرحله دوم، نفوذ تشیع در بعضی از مناطق مرکزی ایران.

مرحله سوم، توسعه گرایشات شیعی با روی کار آمدن "بنی عباس".

مرحله چهارم، فتح طبرستان به دست «علویان».

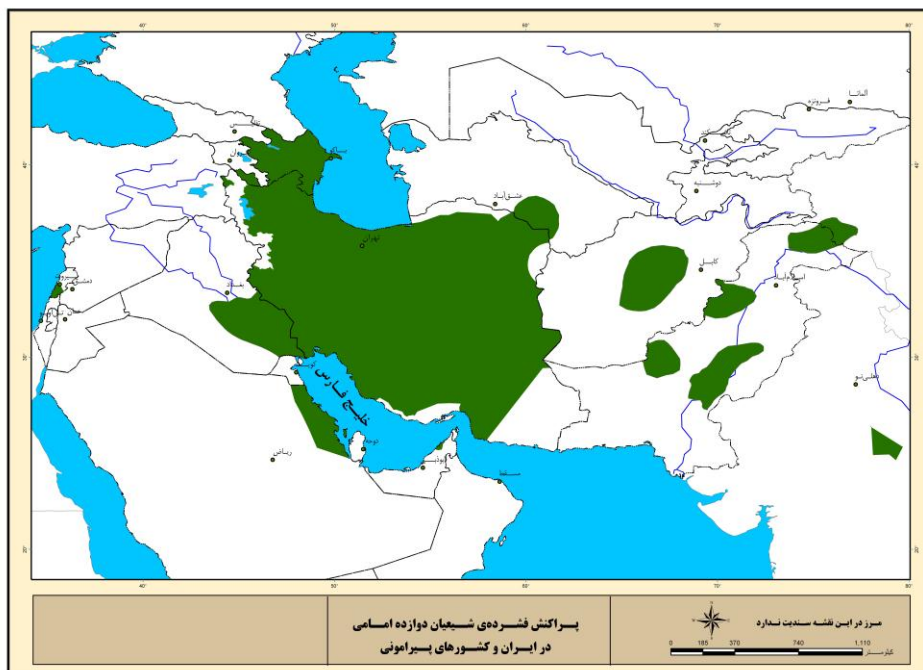
مرحله پنجم، برپائی حکومت "آل بویه".

مرحله ششم، پس از حملات "مغول‌ها".

مرحله هفتم، روی کار آمدن دولت "صفویه"(www.al-shia.com).

بنابراین یکی از مهم‌ترین مراحل توسعه گرایش‌های شیعی در ایران مربوط به دوران خلفای عباسی بود که تأثیرات مهمی داشته است. تا جایی که مأمون یکی از خلفای عباسی، تصمیم گرفت حمایت علویان را بدست آورد تا از خروش آنها جلوگیری کند. وی حتی مرکز خلافت را از عراق به خراسان انتقال داده و خود را طرفدار علویان معرفی کرد. وی همچنین تصمیم گرفت حضرت علی بن موسی الرضا را به ولایتعهدی خود منصوب نماید. جدای از انگیزه‌های مأمون از این دعوت، ورود یکی از امامان شیعی در ایران باعث شد تا روز به روز بر جمعیت شیعیان در این سرزمین افزوده شود.

یکی از مهم‌ترین عوامل گسترش تشیع در دوران عباسیان، مهاجرت سادات و علویان به این سرزمین، خصوصاً "بعد از ورود امام رضا (ع) است. همین مسئله زمینه خوبی برای جذب شیعیان و نشر تشیع فراهم آورد (همان: ۹). تشیع که از اوان پیدایش پدیده ای مذهبی، سیاسی بوده است تا دینی، توسط ایرانیان در سده نخست اسلامی پشتیبانی شد که با تکیه بر آن با دستگاه خلافت رویارویی کردند. در دوره صفوی هم با افزایش آن مردم را به پایداری در برابر عثمانی برانگیختند. تا این مقطع، شیعه کارکرد تاریخی خوبی داشته است، اما از دوره قاجار مناسبات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جهان دگرگون شد و شیعه نیز کارکرد شایسته خود را از دست داد. اما بعد از دهه هفتاد (۱۹۷۹م) وقوع انقلاب اسلامی در ایران و جنگ داخلی در لبنان، شیعه را به عنوان یک عامل ژئوپلیتیکی مطرح ساخت. بعد از حمله آمریکا به عراق نیز قدرت معنویت و نقش مذهب در حیات سیاسی منطقه خاورمیانه برای بار دوم نگاه‌ها را معطوف به مسأله تشیع نموده است.



نقشه شماره ۱: پراکنش فشرده شیعیان دوازده امامی در ایران و کشورهای پیرامونی

جدای از ایران و جمهوری آذربایجان، افغانستان، پاکستان و ترکیه، جمعیت بسیار قابل توجهی از شیعیان، در کشورهای عربی همانند عراق، عربستان سعودی، یمن، بحرین، عمان، امارات، لبنان و... زندگی می‌کنند و در برخی

از این کشورها اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دهند. در مورد کشورهای اسلامی غیرایرانی - غیرعربی هم می‌توان نمونه‌های متعددی را نشان داد که تشیع از سابقه بسیار قدیمی برخوردار است. در شبه قاره هند تشیع از دیرباز حضور داشته است و بنابراین می‌توان گفت که تشیع گرچه در ایران سابقه حکومتی چندصدساله دارد ولی تشیع مخصوص ایرانیان نیست و در بیشتر کشورهای اسلامی و در میان بیشتر قومیت‌ها و ملیت‌های مختلف تشیع ریشه دوانیده است.

براساس آمارهای ارائه شده در منابع مختلف و باتوجه به محدودیت‌های موجود در زمینه عدم وجود آمار متقن، وضعیت و درصد شیعیان در کشورهای منطقه که دارای جمعیتی قابل توجه هستند به شرح ذیل می‌باشد:

جدول ۱: جمعیت کشورهای منطقه و درصد جمعیتی شیعیان، ۲۰۰۵م (تخمینی)

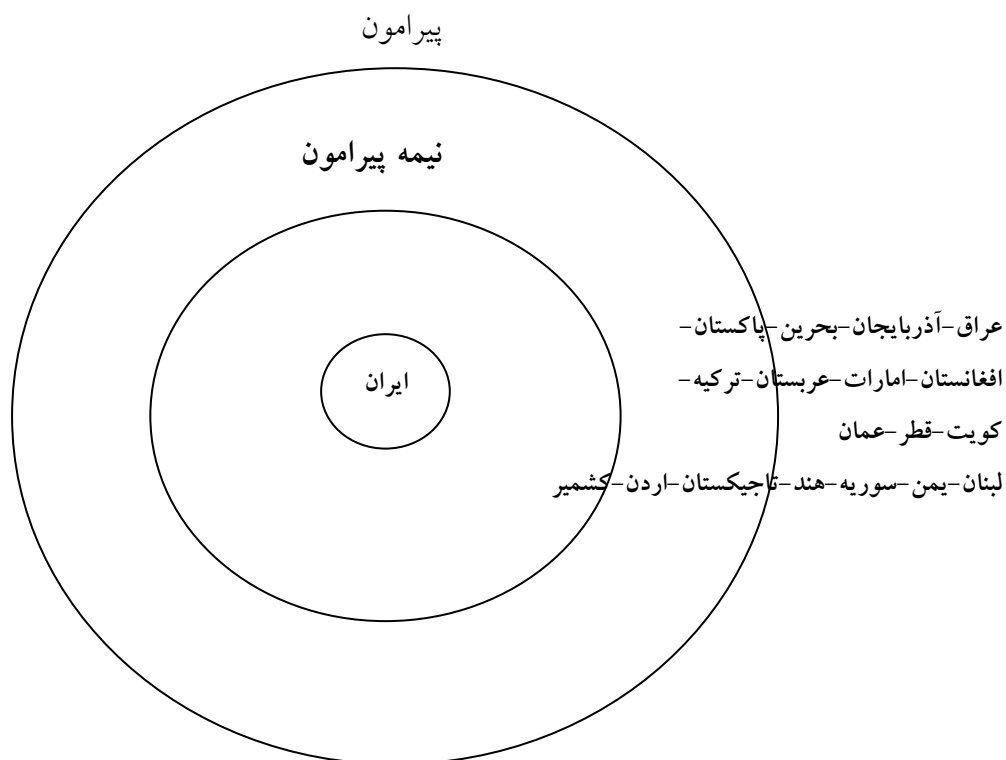
کشور	تعداد جمعیت	درصد شیعیان (فرقه‌های مختلف)
آذربایجان	۷۸۶۸۳۸۵	٪۶۵
افغانستان	۲۹۹۲۸۹۸۷	٪۱۹
ایران	۶۸۰۱۷۸۶۰	٪۸۹
پاکستان	۱۶۲۴۱۹۹۴۶	٪۲۰
عراق	۲۶۰۷۴۹۰۶	٪۶۰-۶۵
بحرین	۶۶۸۳۴۵	٪۷۰-۷۵
لبنان	۳۸۲۶۰۱۸	٪۴۰
کویت	۲۳۳۵۶۴۸	٪۳۰-۴۰
عربستان	۲۶۴۱۷۵۵۹	٪۱۰-۱۵
عمان	۳۰۰۱۵۸۳	٪۷۰
امارات متحده عربی	۲۵۶۳۲۱۲	٪۱۶
سوریه	۱۸۴۴۸۷۵۲	٪۱۶
ترکیه	۶۹۶۶۰۵۵۹	٪۱۵
یمن	۲۰۷۲۷۰۲۳	٪۴۰
قطر	۸۶۳۰۵۱	٪۱۵

Source: www.cia-factbook.com/2005 & www.worldatlas.com/2004
www.globalconnection-religion/pbs.htm & www.shianews.com/2005



نقشه ۲: نمایی از توزیع جغرافیایی شیعیان

(Source: http://www.pbs.org)



مدل (۱) مدل مرکز-پیرامون قلمروهای شیعی جهان و نقش ایران بعنوان مرکز جهان تشیع

بدین ترتیب می‌توان از یک امتداد شیعی سخن به میان آورد که از شبه قاره آغاز می‌شود و بخش‌هایی قابل توجه از هند و پاکستان را پوشش می‌دهد و سپس بخشی مهم از افغانستان و حتی آسیای مرکزی را شامل می‌شود و در دنباله، تمام ایران، اکثریت عراق و یمن و برخی کشورهای خلیج فارس مانند بحرین و منطقه شرق عربستان سعودی را پوشش می‌دهد. در دنباله عراق بخش‌های مهمی از ترکیه را شیعیان امامی، علوی و بکتاشی تشکیل می‌دهند و در سوریه و لبنان اکثریت با شیعیان امامی و علوی و دروزی است و در سوریه نیز علویان حکومت می‌کنند و جمعیت قابل توجهی از آنان در ساحل سوریه به شکل تاریخی حضور دارند. اقلیت‌های شیعی دیگری نیز در اردن و فلسطین و اسرائیل هستند که این امتداد شیعی را تکمیل می‌کنند. در بخش‌هایی از آفریقا نیز تشیع سابقه تاریخی دارد و این امر تنها به کشورهای عربی آفریقا محدود نمی‌شود، بلکه در آفریقای غیرعربی هم این مسئله صادق است. به طور مثال حضور شیعیان اسماعیلی از دیرباز در شرق آفریقا تایید شده است. بنابراین ما هم‌اکنون از اقیانوس هند تا دریای مدیترانه با یک امتداد شیعی روبه‌رو هستیم که البته این امتداد به صورت امتداد و حضور تاریخی است و تشیع در تمام این نقاط ریشه‌های تاریخی بسیار کهنه ای دارد که با قومیت‌ها و ملیت‌های این امتداد جغرافیایی آمیخته شده و به یکی از عناصر مهم هویت آنان تبدیل گردیده است.

گردشگری مذهبی و نقش بارگاه امام رضا(ع) در این زمینه

گردشگری مذهبی یکی از قدیمی‌ترین و پر رونق‌ترین گردشگری‌های گذشته و حال حاضر در سراسر جهان است (Ajit, 2004: 2) که قدمت آن به فرهنگ دینی می‌رسد. اگر نگاهی به تاریخ گذشته در زمینه سفرها و گردشگران مذهبی داشته باشیم به گردش‌های مذهبی چون مراسم مقدس یونانیان باستان در معابد آپولون و...، سفرهای مصریان

برای دیدار از فراغنه و... (دورانت؛ ۱۳۷۰: ۲۰۵)، ایرانیان باستان به معبد آناهیتا در کنگاور و... (کریستین سن؛ ۱۳۶۹: ۲۳۲) و نظایر آن بر می‌خوریم که هریک به گونه‌ای، قدمت و رواج این شکل از گردشگری را در میان ملل مختلف نشان می‌دهند.

گردشگری و گذران اوقات فراغت به شیوه‌ای جدید، پدیده‌ای پیامدی و همزمان جزء جدایی‌ناپذیر جامعه‌ی صنعتی و حلقه‌ای مهم در باز تولید آن است (مومنی؛ ۱۳۸۶: ۱۵)، اما زیارت و گردشگری مذهبی که ریشه در باورها و اعتقادهای دینی-مذهبی دارد، به مفهوم تخصصی خود فراتر از وابستگی به زمان و اوقات فراغت، عامل مهم جغرافیای انسانی در شکل‌گیری مسافرت، ایجاد تمرکز و چشم‌انداز فرهنگی است. در میان گردشگران مذهبی با دو گروه مواجه هستیم: یکی زائران، کسانی که انگیزه‌ی آنان از مسافرت، فقط انجام امور مذهبی است و زمان و مدت اقامت آن‌ها، تابع اوقات فراغت نیست و دیگری، گردشگران مذهبی که ضمن انجام زیارت و شرکت در مراسم مذهبی از مکان‌های دیگر گردشگری (اعم از مذهبی و غیر زیارتی) نیز دیدن می‌کنند و یا به عبارتی دیگر، اهداف مسافرت آن‌ها چند منظوره با الویت زیارت است. با این وجود امروزه گردشگری مذهبی با همه اجزاء و گونه‌های مختلف آن، به سبب ویژگی‌های ساختاری و کارکردی خاص، توانسته خود را در متن گردشگری جهانی جای دهد، به طوری که حوزه نفوذ آن سراسر جهان را فراگرفته است (Santos, 2004: 8 / Nolan, 1989: 11) و براساس برآوردی ۲۶ درصد از کل جریان‌های گردشگری جهان را به خود اختصاص داده است (ICEP, 1997: 30) به هر حال پیدایش، حیات، شکل‌گیری، رشد و توسعه‌ی شهرهای مذهبی (از جمله مشهد و...)، محصول ارتباط متقابل و پیامدهای فضایی جهان بینی با محیط است. به عبارت دیگر بررسی سیر تکوینی و سیمای چشم‌انداز فرهنگی شهر مشهد با توجه به تعامل و ارتباط متقابل بین شهر با مضمون مذهبی و محیط طبیعی آن شکل گرفته است. از این رو ترکیب نگرش تکوینی ساختاری-کارکردی در چارچوب نگرش سیستمی در شناخت بافت پویای شهر امکان شهرشناسی جغرافیایی عمیق شهر را فراهم می‌آورد (مومنی؛ ۱۳۷۷: ۲۳-۲۲). بدین ترتیب مشهد جزء شهرهای مقدس جهان (جغرافیای زائران) است که در پرتو جهان بینی پدید آمده و سرشت و شکل‌گیری فضایی و زندگی اجتماعی - اقتصادی خود را کاملاً تحت تاثیر عامل مذهبی - فرهنگی و گردشگری برخاسته از آن شکل داده است.

در واقع شهر مشهد پس از شهادت حضرت رضا (ع)، امام هشتم شیعیان دوازده امامی در سال ۲۰۲ یا ۲۰۳ هجری قمری و به خاکسپاری آن حضرت در قریه‌ی سناباد ما بین شهرهای قدیمی نوقان و تابران از ولایت توس (یعقوبی؛ ۱۳۴۳: ۸۳-۸۲)، بر اثر نقش و کارکرد زیارتی به مرور زمان بزرگ شده بطوریکه در اوایل قرن چهارم هجری قمری متصل به شهر نوقان گردید و سپس در اواخر قرن چهارم به یکی از شهرهای مهم (مشهدالرضا) معروف شده است (اصطخری؛ ۱۳۴۰: ۲۰۵).

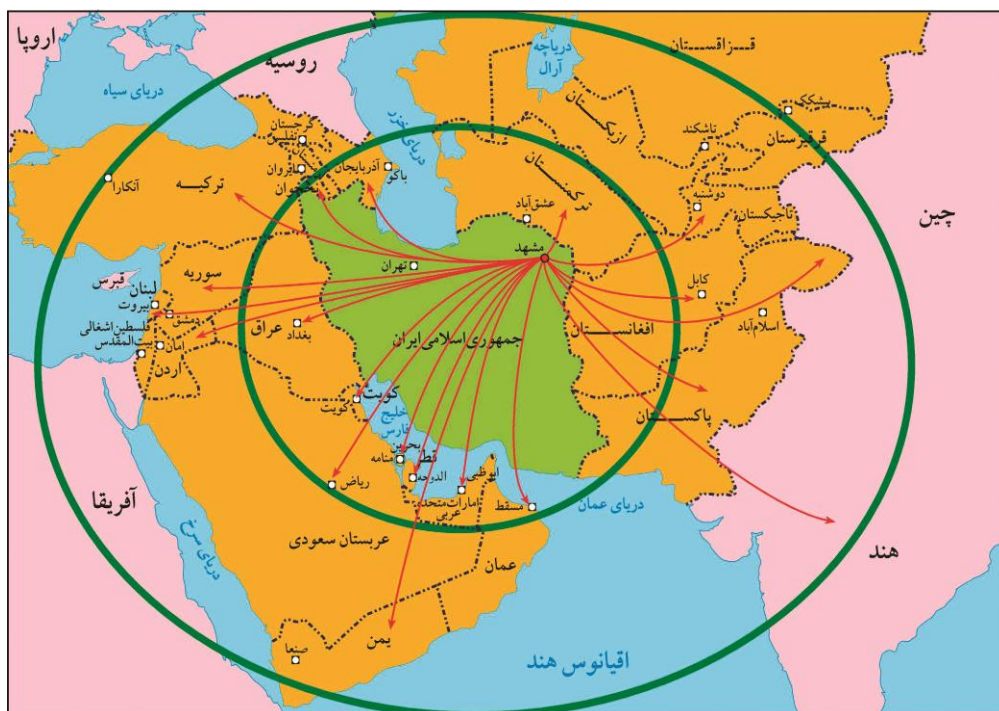
این شهر در سده‌ی گذشته در پی تحولات ساختاری اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اقدامات عمرانی دوران پهلوی تاسیسات، امکانات اقتصادی - رفاهی نسبتاً زیادی در آن تجمع یافت و زمینه‌های قطبی شدن آن فراهم گردید، تا اینکه پس از انقلاب اسلامی با توجه به پیوند و رابطه‌ی عاطفی که میان حاکمیت مذهبی کشور با آستان قدس و گردشگری مذهبی - فرهنگی ایجاد شد و نیز سایر عوامل درونزا (مرکز استان خراسان، برخورداری نسبی از توان‌های

محیطی و...) و برونزا (جنگ تحمیلی، جنگ داخلی افغانستان، نا امنی در شهرهای زیارتی بین النهرین مانند کربلا، نجف و...)، شهر مشهد جایگاهی ممتاز در سطح بین المللی به دست آورده است. بطوریکه جمعیت شهر مشهد از سال ۱۳۵۵ نسبت به سال ۱۳۸۵ نرخ رشدی معادل ۴/۴ درصد داشته است و تعداد گردشگران آن طی این سالها ۵/۷۴ درصد افزایش یافته است (سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان رضوی؛ ۱۳۸۵) و از اثرات مثبت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی گردشگری بهره مند شده است. البته شهر مشهد در دهه‌های اخیر دچار ناپایداری‌های مختلف زیست محیطی، اجتماعی، فرهنگی از جمله اسکان غیر رسمی، مشکل آب شرب، آلودگی هوا، بزهکاری و.. شده که در این راستا ضرورت ایجاد مدیریت یکپارچه از جمله راه کارهای موجود، جهت دستیابی به توسعه پایدار شهر و منطقه است.

طبق آمار، سالانه شهر مشهد شاهد حضور بیش از ۲۵ میلیون زائر داخلی و یک میلیون زائر خارجی است. وجود این تعداد زائر (هر چند مشهد ظرفیت حضور بیش از این زائر خارجی را نیز داراست) می‌تواند باعث انتقال پیام انقلاب اسلامی به آن سوی مرزها باشد. امری که طی سه دهه گذشته به واسطه اقدامات کشورهای غربی و اسلام ستیز و تبلیغات بی وقفه آنها تا کنون به سختی محقق شده است.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی آستان قدس رضوی، سید احمد علوی در گفت‌وگو با شبکه خراسان رضوی ضمن تبیین اهداف و راهبردهای سند چشم‌انداز بیست ساله‌ی آستان قدس رضوی افزود: حرم مطهر رضوی اکنون کانون تشریف حدود ۲۵ میلیون زائر در سال است و در افق سند چشم‌انداز آستان قدس رضوی، آمار سالانه زائران بارگاه منور رضوی به ۴۰ میلیون نفر خواهد رسید.

«علی حامدمقدم»، مدیرکل روابط عمومی و بین الملل شهرداری مشهد نیز می‌گوید همه ساله بیش از یک میلیون نفر زائر خارجی از یکصد کشور جهان برای زیارت حضرت رضا(ع) به مشهد مقدس عزیمت می‌کنند و جمع زیادی از آنان از طریق پروازهای مستقیم صورت گرفته از ۲۷ شهر خارجی به زیارت این امام همام مشرف می‌شوند، اما بسیاری از زائرین خارجی از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های یکی از بزرگترین کلان شهر مذهبی جهان در عرصه‌های مختلف بی اطلاعند (<http://ikna.ir/samen-1389>). مشهد، دومین کلانشهر مذهبی دنیاست، اما سهمی که تاکنون از زائران خارجی کسب کرده، با پتانسیل‌هایی که در این شهر وجود دارد، تحت هیچ شرایطی قابل مقایسه نیست.



قشه شماره ۳: نقش مشهد در ژئوپلیتیک شیعه و مدل مرکز-پیرامون

رئیس اداره زائران غیر ایرانی آستان قدس رضوی با بیان اینکه شهر امام رضا(ع)، محبوب همه شیعیان است، می‌گوید: حتی مردم سایر مذاهب دنیا علاقه فراوانی به امام هشتم(ع) دارند و برای زیارت وی به مشهد سفر می‌کنند. و در حال حاضر، مردم بیش از ۱۲۰ کشور دنیا به مشهد سفر می‌کنند.

اما تجربه سی سال گذشته جمهوری اسلامی ایران و به‌ویژه تحولات اخیر جهانی و منطقه‌ای نشان می‌دهد که کشورمان بدلیل چالش‌ها و محدودیت‌هایی که از سوی ابرقدرت‌ها ایجاد شده است، امکان کمتری جهت استفاده از دیپلماسی رسمی و سنتی دارد. به همین دلیل در شرایط کنونی، نیاز به مطالعه دقیق مفاهیمی چون قدرت نرم و دیپلماسی عمومی و بهره‌گیری از امکانات وسیع و احتمالا مغفول مانده این حوزه بیش از پیش احساس می‌شود. هدف اصلی زائر بهره‌مندی هرچه بهتر از موقعیت زیارت است، اما در کنار آن، ما نیز بایستی تلاش کنیم که او را به سوی بهره‌مندی فرهنگی در زیارت سوق دهیم و مجموعه اعمال زیارت را با یک کار خوب فرهنگی به یک زیارت عارفانه تبدیل کنیم.

به طور نمونه هر سال به خصوص در سالروز شهادت یا ولادت امام رضا شاهد حضور گسترده زائرین از کشورهای اسلامی هستیم که به اجرای مراسم‌های مذهبی خویش می‌پردازند. آنچه در این زمینه جلب توجه می‌کند عدم برنامه‌ریزی مسئولان جهت برگزاری این مراسم از سوی زوار خارجی است، فضایی که در یک دیپلماسی عمومی موفق بایستی جهت نفوذ فرهنگی و ارزشی از آن بهره‌برداری نمود. در یک دیپلماسی عمومی موفق به هر شهروند خارجی به چشم یک سفیر نگریسته می‌شود که می‌تواند نماینده موفق یا ناموفقی جهت تبلیغ کشور میزبان و یا عکس آن عمل نموده و دارای نقشی ژئوپلیتیکی می‌تواند باشد. بنابراین در کنار وجود بارگاه ملکوتی امام رضا(ع) وجود حوزه علمیه مشهد و دانشگاه‌های مطرح در این شهر بایستی ابزاری جهت انتقال مفاهیم بنیادی انقلاب اسلامی و انتشار فرهنگ ناب آن باشد.

حوزه علمیه کهن و بزرگ مشهد که مهد پرورش عالمان بزرگی بوده است، همچنین وجود دانشگاهی هم چون دانشگاه فردوسی همچنان ناشناخته مانده است و به نوعی این ظرفیت‌های مهم و گسترده در سایه وجود بارگاه مطهر رضوی ناشناخته مانده است و این ناشناختگی نیز در عرصه ملی و کلان وجود دارد؛ چراکه مسئولان با وجود سفرهای زیاد به مشهد اما حضورشان در مشهد بیشتر معطوف به حرم مطهر می‌شود و دیگر ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها ناشناخته می‌ماند.

فرصت‌های ایران

در حوزه فرهنگی: فرهنگ احتمالاً وسیع‌ترین مفهومی است که در علوم اجتماعی تاریخی از آن استفاده می‌شود. به دلیل دلالت‌های ضمنی گسترده، این مفهوم بار معنایی وسیعی پیدا کرده است (والرشتاین، ۱۳۷۷: ۲۲۶) به عبارتی دیگر: فرهنگ، مهم‌ترین شاخصه انسان و جامعه انسانی است. انسان در جامعه زندگی می‌کند و همه ارزش‌ها و هنجارها را به همراه سبک زندگی از خانواده و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، می‌آموزد... از این رو، نقش فرهنگ و ارزش‌ها و هنجارهای آن برای زندگی ما بسیار حیاتی است و شناخت یک جامعه یا گروه انسانی، تنها با شناخت فرهنگ آن ممکن است (بختیاری، ۱۳۸۵: ۲۸۷). ایران در حوزه فرهنگی فرصت‌های بی‌نظیری را در جهان اسلام دارا می‌باشد که بخش عمده‌ای از آنها هنوز به صورت بالقوه است و می‌توان در آینده از آنها بهره‌برداری کرد. با توجه به نگاه مثبت و امیدوارانه بسیاری از مسلمانان در کشورهای مختلف اسلامی و به خصوص شیعیان، ایران می‌تواند در امر فرهنگی سرمایه‌گذاری نماید. سرمایه‌گذاری در زمینه امور فرهنگی ممکن است دیربازده باشد اما با توجه به اهمیت آن اکنون در بیشتر کشورها برنامه‌ها و اقدامات فراوانی در آن انجام می‌شود.

در حوزه سیاسی: زمینه دیگری که می‌توان از آن به عنوان یک فرصت سیاسی برای ایران یاد کرد، به رفتارهای سیاسی عاطفی شیعیان جهان نسبت به جمهوری اسلامی ایران مربوط می‌شود. این رفتارها از یک سو ماهیت سیاسی دارند و نشان می‌دهند که انقلاب اسلامی در میان جوامع شیعی چه بازتابی داشته است. از سوی دیگر نشان دهنده نوع احساسات و عواطف شیعیان نسبت به انقلاب اسلامی ایران است.

مورد بعدی مهاجرت شیعیان افغانستان به ایران است که تقریباً با وقوع انقلاب اسلامی همزمان شد. شیعیان افغانستان (قوم هزاره) که مقلد امام خمینی بودند و ایشان را به عنوان مرجع تقلید خویش انتخاب نموده بودند، به امید رهایی از وضعیت نابسامان داخلی، راهی ایران شده و در شهرهای گوناگون این کشور سکنی گزیدند. جنگ ایران و عراق زمینه حضور افغانیان بیشتری را در ایران فراهم کرد. افغانیان فراوانی با احساس وظیفه برای حمایت از دین خدا به کمک ایران شتافتند تا از مرجعشان در مقابل ارتش بعث عراق حمایت نمایند (شفایی، ۲۰۰۷). مثل افغانستان، حرکتی مشابه از سوی شیعیان عراقی و کویتی بروز کرد و آنان در اثر جنگ‌های صدام به ایران پناه آوردند.

در حوزه ژئوپلیتیکی: با توجه به گسترش تشیع و تأثیرپذیری شیعیان جهان از ایران بعنوان مرکز جهان تشیع، ایران می‌تواند حوزه ژئوپلیتیکی خود را از شرق تا حوزه شبه قاره و از غرب تا شمال آفریقا توسعه داده و بعنوان یک قدرت منطقه‌ای در تحولات این مناطق تأثیر و نقش شایانی را ایفا نموده و زمینه گسترش شیعه و افکار و اعتقادات

تشیع را فراهم نماید. که در این بین با سرمایه‌گذاری روی جمعیت زائران امام رضا(ع) و جذب بیشتر زائران با ایجاد تسهیلات آنها برای حضور بیشتر و مداوم آنها، می‌توان به این مهم دست یافت.

نتیجه‌گیری

نخستین و یکی از مهم‌ترین فرصت‌های ذاتی ایران موقعیت جغرافیایی شیعیان است. با نگاهی به نقشه جغرافیایی تشیع مشخص می‌شود که ایران در قلب قلمروهای شیعی جهان قرار گرفته است و پیرامونی‌های شیعه بسان لایه‌هایی آنرا احاطه کرده‌اند. از دید جغرافیایی، ایران یکی از وسیع‌ترین و پرجمعیت‌ترین کشورهای منطقه است که با موقعیتی منحصر به فرد بین دریای خزر و خلیج فارس قرار گرفته است و بنابراین ذاتا می‌تواند به یک کانون قدرتمند و مستقل ژئوپلیتیکی با نفوذ قابل توجه بر همسایگانش تبدیل شود (کوهن، ۱۳۸۷: ۷۱۵). بر اساس آمار، ۹۰ درصد از جمعیت ۷۵ میلیونی ایران را شیعیان تشکیل می‌دهند. این تعداد بیش از ۴۰ درصد کل جمعیت شیعیان دنیا است. کشورهای دیگری که دارای اکثریت جمعیت شیعه و یا اقلیت‌های شیعی قابل توجه هستند، عمدتاً در اطراف ایران قرار دارند. عراق، آذربایجان، بحرین، عربستان سعودی، افغانستان، پاکستان و... بهترین نمونه‌ها را به دست می‌دهند. بر این اساس جای هیچ‌گونه تردیدی باقی نمی‌ماند که ایران در کانون جغرافیایی شیعیان قرار گرفته و به طور طبیعی می‌تواند این قلمرو فضایی مشخص را نمایندگی کند و در موقعیت رهبری قرار گیرد. همین ضرورت است که حساسیت ایران نسبت به سرنوشت شیعیان دیگر کشورها را توجیه می‌کند. با توجه به این شرایط، متأسفانه ایران تاکنون از این ظرفیت عظیم خود استفاده بهینه و جامعی ننموده و سرمایه‌گذاری زیادی را روی این موضوع انجام نداده است. زائران حرم رضوی پتانسیل بسیار خوبی را برای اهداف فرهنگی، سیاسی، عقیدتی و ژئوپلیتیکی برای جمهوری اسلامی ایران فراهم نموده که می‌تواند از آن بهره‌برداری مفید را انجام دهد.

منابع

- احمدی، عباس و موسوی، الهام سادات (۱۳۸۹)، جغرافیای شیعه و فرصت‌های ایران در قلمروهای شیعی جهان اسلام، زاهدان: مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام، فروردین ۱۳۸۹.
- بختیاری، محمد عزیز (۱۳۸۵)، شیعیان افغانستان، قم: مؤسسه شیعه شناسی.
- پاشاپور، محمد (۱۳۸۲)، نهضت‌های اسلامی، بازیگران جدید نظام بین‌الملل، تهران: اندیشه‌سازان نور.
- توال، فرانسوا (۱۳۷۹)؛ ژئوپلیتیک شیعه؛ ترجمه علیرضا قاسم آقا؛ تهران: نشر آمن.
- توال، فرانسوا (۱۳۸۲)، ژئوپلیتیک شیعه، ترجمه کتیون باصر، تهران: انتشارات ویستار.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۴)؛ شیعه و جهانی شدن؛ مجله خردنامه شماره ۶۵؛ ۱۶ شهریور ۱۳۸۴/
- خالدی، شهریار (۱۳۸۴)، جغرافیای انسانی؛ چشم انداز فرهنگی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی
- دورانت، ویل (۱۳۶۵)، "تاریخ تمدن"، ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- شفایی، حامد (۲۰۰۷)، نگاهی به اخراج مهاجرین افغانی از ایران، سایت آرمان: (<http://www.armans.info>)
- صحفی، محمد (۱۳۸۰)، ژئوپلیتیک فرهنگی و مسئله امنیت ملی، تهران: شمسا.
- عزتی، عزت‌اله (۱۳۸۰)؛ ژئوپلیتیک در قرن ۲۱؛ تهران: انتشارات سمت.

کریستین سن، آرتور (۱۳۶۹)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: امیرکبیر.
کوهن، سائول برنارد (۱۳۸۷)، ژئوپلیتیک نظام جهانی، ترجمه عباس کاردان، تهران: ابرار معاصر تهران.
متقی زاده، زینب (۱۳۸۴)؛ جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس؛ قم: موسسه شیعه شناسی.
مومنی، مصطفی (۱۳۸۶)، توسعه شهرنشینی و صنعت، بحثی در شهرنشینی و جغرافیای اوقات فراغت و گردشگری، گردشگری در ایران (از مفهوم تا راهکار)، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
مومنی، مصطفی، صرافی، مظفر، قاسمی خوارزمی، محمد (۱۳۸۷)، «ساختار و کارکرد گردشگری مذهبی - فرهنگی و ضرورت مدیریت یکپارچه در کلان شهر مشهد»، فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۱۱، دوره بهار و تابستان.
والرشتاین، ایمانوئل (۱۳۷۷)، سیاست و فرهنگ در نظام متحول جهانی، ترجمه پیروز ایزدی، تهران: نشر نی.
یعقوبی احمد ابن ابی یعقوب (۱۳۴۳) البلدان، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

Ajit, 2004, <http://aftab.ir> & <http://kheimhnews.com>

Ajit, Kiran, Shinde(2004), Quest for Good Governance, Contribution Find Potential of Religious Institutions as Stakeholdersh.

Fuller E. Graham(2003); Islamism Politics in Iraq after Saddam Hussein; United States of America; Washington, DC: Institute of Peace(www.usip. Org/2005)

Gerecht, Reuel Marc(2005); The Islamic Paradox, Shiite Clerics, Sunni Fundamentalists, and the Coming of Arab Democracy; United States of America; Washington, D.C: The AEI Press.

Hammond, p.(2003), Review article: Making War and Peace, Contemporary Politics, 20 March 2003.

ICEP(1977), Turismo Religioso, Turismo-Mercados Emissores, n 12

Nolan,1989/11: Santos,2004 :christian pilgaje in modern western europe, chapele hill, the university of north Carolina press.

<http://ikna.ir/samen-1389>

<http://www.armans.info>

http://ikna.ir/samen/news_detail.php?ProdID=6120296

www.cia-factbook.com/2005

www.worldatlas.com/2004

www.globalconnection-religion/pbs.htm

www.shianews.com/2005

www.al-shia.com

<http://www.pbs.org>